

## پیوند امر بهائی با فرهنگ ایرانی و آئین زردشتی

شاپور راسخ

امر مبارک بوحدت ادیان قائل است و اصل وحدت سه اعتقاد را در بر می‌گیرد: وحدانیت الهی - وحدت مظاهر الهی - اشتراک در مبادی اخلاقی و روحانی. آثار مبارکه بهائی دال بر آن است که احکام و قوانین اجتماعی ادیان متغیر است و باقتضای زمان عوض می‌شود. معذک باید تصدیق کرد که همه احکام اجتماعی از این قبیل نیستند و پاره‌ای از آنها چنان ریشه‌های محکمی در سنن قومی دارند که تغییر آنها دشوار است. مثلاً با وجود ضدیت اسلام با عصر جاهلی، خیلی قوانین اسلامی از سنت‌های عصر جاهلیت اقتباس شده است، که حضرت عبدالبهاء در «رساله مدنیه» دو صفحه را بآن اقتباس می‌دهند (چاپ آلمان، صص ۳۵-۳۶)، نظیر تقویم قمری - حرمت اکل گوشت خوک - موقعیت پست زنان - برخی از آداب حج - قطع ید سارق و موارد دیگر.

۱- گرچه انتظار می‌رود که ادیان دارای ویژگی بُرون‌زمانی و بُرون‌محلّی باشند، اما بسیاری از دستورات آنها منطبق بر سنت‌های محلی و قومی است. در مورد امر حضرت بهاءالله متعدّدند قوانین آن که در فرهنگ ایران سابقه داشته‌اند، مثل رعایت تقویم شمسی و جشن‌هایی چون عید نوروز و ایام هاء - مانند اهمیت خانواده گسترده که در قانون ارث بهائی منعکس است، نظیر دار مسکونی و البسه مخصوص متوفی که بفرزند ارشد (از نکور) میرسد - دیگر مهر و میزان مهر که در اسلام هم سابقه دارد - لزوم اجابت دعوت که مهمان‌نوازی و مهمان‌دوستی را می‌رساند - جواز اصغاء نغمات و تار و الحان که در فرهنگ ایران هست و نه در اسلام - جواز استعمال ظروف نقره و طلا و پوشیدن حریر و سنجاب که در اسلام نیست ولی در فرهنگ کهن ایران سابقه دارد.

دیانت بهائی در اواخر حیات حضرت بهاءالله با تصدیق عده‌ای از زردشتیان بامر بهائی روبرو شد. برخی از جاذبه‌های جامعه بهائی برای زردشتیان عبارت بوده‌اند:

(الف) اعتقاد به ظهور آخرالزمانی سوشیانس با شاه بهرام؛

(ب) قول بآنکه حضرت بهاءالله از سلاله ساسانی بوده‌اند؛

(پ) اهمیت دادن امر مبارک به کشاورزی و ارج نهادن محیط زیست؛

(ت) رحم به حیوانات که در کتب زردشتیان هم هست (مثل گاو - اسب)؛

ث) کاربرد فارسی سره که نمونه آن در آثار حضرت بهاءالله فراوان است؛  
 ج) اهمیت دادن به اخلاقیات و اندیشه و گفتار و رفتار نیک در امر بهائی، در حالی که اسلام همه تأکیدش روی احکام است؛  
 د) اسلام به جبر اعتقاد دارد و آئین زردشتی مثل امر مبارک باراده انسان در سرنوشت او اهمیت میدهد.

۲- در اسلام دعا و مناجات هست، ولی تأکید روی صلوة یومیه است که جنبه اجتماعی در آن قوی است. مناجات یعنی نجوای عاشقانه با خدا، که در گاتا و خرده‌اوستا جای ویژه ای دارد، در امر بهائی هم مورد توجه خاص است.

۳- اسلام شریعتی است مبتنی بر سادگی زندگی. در امر بهائی هنر، گل‌کاری، تزیین، مجسمه‌سازی، نقاشی، و امثال آن اهمیت داده شده و ایرانیان بنیادگذاران پارک‌های زیبا در تاریخ بشر بوده‌اند. به حفظ و تجمیل محیط زیست و رعایت پاکیزگی و لطافت در همه جنبه‌های زندگی در آئین بهائی خیلی بیش از اسلام اهمیت داده شده.

۴- حکم تجدید اسباب بیت در هر ۱۹ سال از احکام بدیعی است که باز توجه امر بهائی را به لطافت و نظافت نشان می‌دهد و تعلیمی مشابه آن در اسلام وجود ندارد.

۵- جامعه ایرانی بر روی هم بامور احساسی و عاطفی گرایش دارد و کاربرد شعر در ادبیات منثور ایرانی، از جمله آثار بهائی، نمونه‌ای از علاقه بامور احساسی است. خوش مشربی ایرانی در طنز که در ادب فارسی گسترش بسیار یافته و در مکاتیب حضرت عبدالبهاء هم نمونه‌های خوبی دارد منعکس است.

۶- قرائنی هست که از توجه امر بهائی به آتش و نور حکایت می‌کند و جناب منوچهر سلمان‌پور هم رساله مفصلی در این مورد نوشته‌اند. جایگاه این دو نماد را در ادب و تفکر بهائی با چند نمونه از الواح جمال مبارک مندرج در ابتدای «یاران پارسی» میتوان نشان داد:

"به تجلئی از تجلیاتش افنده اهل جهان منور و روشن، آتش محبت‌افروز امروز در گیتی ظاهر و نمایان."

"آتش پرده‌سوز برافروخته دست من است. او را بآب نادانی می‌فسرید."

"این راه [امر بهائی] در میان راه‌ها مانند آفتاب جهانتاب است در میان ستارگان."  
 گوئی حضرت بهاءالله ظهور خود را بآتش آغازین تشبیه فرموده‌اند: "اکنون آن آتش آغاز روشنی تازه و گرمی بی‌اندازه هویدا است تا جذب رطوبات و برودت زائده که مایه سستی و افسردگی و سرمایه گرانی و پژمردگی است نماید و همه امکان را بمقام قرب رحمن کشاند ... هر که نزدیک شد برافروخت و رسید و هر که دوری جست بازماند."  
 گوئی بار دیگر آتش طور و سینا پدیدار شده است و می‌دانیم که آتش چه جایگاه مهمی در

مراسم مذهبی زردشتی دارد. دکتر محمدجواد مشکور می‌نویسد: "مظاهر دین زردشتی در ایران آتشکده‌هایی بود که در هر گوشه‌ای برپا داشته بودند. آتشدان در میان آتشکده جای داشت و پیوسته آتش مقدس در آن می‌سوخت. محافظ آتشکده را هیربد می‌گفتند. زردشتیان آتش را نمی‌پرستند، بلکه آن را نشانی از فروغ ایزدی می‌دانند." (صص ۱۰۴-۱۰۵). نزد زردشتیان آتش هم مقدس است و هم تطهیر کننده.

۷- یک تغییر مهم امر بهائی، خصوصاً نسبت به آئین زردشتی، حذف طبقه روحانی است که عامل تحجر و انحطاط آئین الهی شدند. بفرموده حضرت عبدالبهاء: "حضرت گشتاسب و جاماسب ترویج آئین حضرت زردشت عظیم نمودند و به جان و دل کوشیدند تا تعالیم مبارکش کشور ایران را احاطه نمود ... بعد از چندی آئین نیاکان فرو گذاشتند و دستوران بخودپرستی و عدم راستی سربرداشتند، مربای غرور شدند و مصدر انواع شرور. لهذا اختر نیک‌بختی افسرده شد و نهال آرزو و امید پژمرده گشت." («پاران پاریسی»، صص ۹۷). و البته یکی از علل نارضائی مردم از حکومت ساسانی دخالتگری بی حد دستوران در زندگی یومیه مردم و فشار طاقت‌فرسا بآنها بود (دکتر زرین‌کوب، کتاب «روزگاران»، صص ۲۹۶-۲۹۷).

۸- امر بهائی هم وارث ادیان ابراهیمی و سامی است و هم نگاهبان میراث ادیان غیرسامی، چون میترائیسم و زردشتی و مانوی، و مسلماً گسترش مطالعات زردشتی اجازه خواهد داد که بعضی موارد اقتباس یا مشابهه را در امر بهائی و آئین زردشتی بتوان پیدا کرد. همه ادیان، بنا به تحقیقات جدید، تحت تأثیر فرجام‌شناسی آئین زردشتی قرار گرفته‌اند (ر.ک. Richard Foltz, *Spirituality in the Land of the Nobles*, 2004). و در عین حال امر بهائی برای قیامت و بهشت و دوزخ و پل صراط و غیر آن معانی روحانی قائل شده است. از منابع خوب در باره آئین زردشتی آثار مری بویس (Mary Boyce) است، چون *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices*، نشر ۱۹۷۹، و با همکاری یک تاریخ آئین زردشتی در ۳ جلد (۱۹۷۵-۱۹۹۱). همچنین رجوع شود به آئین زردشتی در دائرةالمعارف انگلیسی دین - نشر سال ۲۰۰۵، جلد ۱۴، بیست صفحه، نوشته جمشید چوکسی.